

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري

همبورگ - جرمني

تنظیم و ویرایش: AA-AA

ظالم

مخمس بر غزل محترم فتح محمد "خاکی"

الهی جسم او تا جان بسوزد کسی که هستی انسان بسوزد
میان آتش حرمان بسوزد شرار آه مظلومان بسوزد
ز سر تا پا جفا کاران بسوزد
ن شاید بر ستمگاران عنایت ز مظلومان خدا دارد حمایت
خروش ناله شان در نهایت به کاخ ظالمان سازد سرایت
بساط دفتر و دیوان بسوزد
خدایا این جفاکاران نماند بلای جان مظلومان نماند
اگر ظالم شود سلطان نماند غلام و چاکر و دربان نماند
در و بام و سر و سامان بسوزد
ز هیزم خرمنی اندوخت ظالم به عالم آتشی افروخت ظالم
به روز واپسین آموخت ظالم تن او را اگرچه سوخت ظالم
ولی در کیفر او را جان بسوزد
بدیدم ماه و سال و چرخ ایام شنیدم صبح صادق تا سر شام
صدای ناله آید از در و بام به پاداش ستمگاری در انجام
ستمگر را دژ و دژبان بسوزد
نوای دردمندان چو آتش بسازد شعله های تند و سرکش
ن باشد این حقیقت را غل و غش که اندر عاقبت ظالم به ظلمش
به سان آتش سوزان بسوزد

وطن ای منبع فکر و خیال ز هجر جانگداز تو بنالم
خدا می داند از احوال و حال شده ثابت که اندر هردو عالم
بسوزد درد بی درمان بسوزد
چه گویم {ناظم} از فریاد و زاری ز آه و گریه و صد بیقراری
چرا ای جان من باور نداری به ظالم هر که سازد سازگاری
چو هیزم خویش را در آن بسوزد
گهر بنیاد باد، این حرف خاکی اثر ایجاد باد، این حرف خاکی
جهان آباد باد این حرف خاکی شما را یاد باد این حرف خاکی
که ظالم را بن و بنیان بسوزد